



مبارق قرآن

بیانیہ کام دوم انقلاب

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مبانی قرآنی بیانیه کام دوم انقلاب

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی
اردیبهشت ۱۳۹۸

« مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

بر همه لازم است به پیام حضرت مهدی علیه السلام توجه شود که فرمود: فقهای عادل که مخالف هوی هستند، دانشجویان ما هستند و در حوادث به آنها مراجعه کنید. «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (الغیبه، ص ۲۹۱)

امروز فقیهی که مورد انتخاب علما قرار گرفته و وظیفه همه ما اطاعت از او است، مقام معظم رهبری است که در حوادث واقعه باید از فرمان و پیام او اطاعت کنیم.

بهترین پیام، بعد از ده‌ها سال تجربه و مدیریت و حکومت، بیانیه اخیری است که در ۲۲ بهمن ۹۷ از طرف ایشان صادر شده است. این نامه که نتیجه عمری تجربه همراه با تقوا و بصیرت است، ما را بر آن داشت که گوشه‌ای از مبانی قرآنی و روایی آن را بیان کنیم و در خط امام رضا علیه السلام قرار بگیریم که فرمود: هرگاه از ما جمله‌ای شنیدید، مبانی قرآنی آن را از ما بپرسید، تا بدانید که سخنان ناب اهل بیت علیهم السلام برخاسته از قرآن است.

برای این بیانیه صدها آیه و حدیث می‌توان آورد که ما مستندات بعضی از جملات را می‌آوریم و امید داریم دیگران آن

را تکمیل و خداوند آن را قبول و امت به آن نامه با یک نگاه خاص و تکلیف‌آور بنگرند.

اگر انسان بداند سخنان، برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است، با اطمینان بیش‌تری آن را عملی می‌سازد. از خداوند، نیت پاک و استدلال روشن در سایه قرآن و روایات خواهانیم.

روح این بیانیه خوش‌بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.

« اما تاریخ گذشته!

گذشته ما، طاغوتی بود برخاسته از زور بیگانگان، که مردم را به پیروی وادار می کرد: «وَ اتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود، ۵۹) امام خمینی (ره) موسی گونه به سراغ آن طاغوت رفت: «اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه، ۲۴) پادشاهی مستبد که شعار فرعون می داد و می گفت: «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى» (غافر، ۲۹)

رژیم کودتایی! آن هم از نوع خارجی، نه داخلی، بدون آراء و پشتوانه مردم و هیچ گونه لیاقت و سابقه و کمال، همان گونه که علی علیه السلام در نامه ای به معاویه نوشت: «تو نه سابقه خوبی داری و نه کمالی» حکومتی خودفروخته و وابسته، همراه با آلودگی اخلاق، تبلیغات ضد ارزش و انحصار بیشترین خدمات به پایتخت و مناطق بزرگ، در حالی که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و در جای دیگر حضرت می فرماید: «من تقدم علی قوم و هو یری فیهم من هو افضل فقد خان الله و رسوله و المؤمنین»

به جای آنکه پیامبر اعظم الگو باشد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) غرب را الگو قرار دادند و به جای اطاعت از خدا، مردم را با ارباب و تهدید و تحقیر به اطاعت واداشتند: «فَاسْتَحَفَّ قَوْمُهُ فَأَطَاعُوهُ» (زخرف، ۵۴)

عقب ماندگی های علمی، سیاسی، معنوی، آن گونه که قرآن می فرماید: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴)

خداوند انقلاب اسلامی را برخاسته از ایمان اسلامی به دست امام خمینی (ره) ایجاد کرد. مردم با اراده و شناخت و

بصیرت دور امام جمع شدند و ابراهیم واربت‌های موهوم را درهم شکستند.

بار دیگر آیه «فَجَعَلَهُمْ جُودًا» (انبیاء، ۵۸) نمود پیدا کرد. حرکت امام و پیروی مردم بر اساس ایمان و شجاعت بود، همان‌گونه که ایمان ساحران به حضرت موسی بر اساس ایمان و شجاعت بود. از تهدیدها نترسیدند و گفتند: «لَا صَيَّرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (شعراء، ۵۰) و در برابر شکنجه‌ها مقاومت کردند: «وَلَنَصِيرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا» (ابراهیم، ۱۲)

خداوند نیز عنایت کرد و امام و یارانش را طبق وعده خود به انبیاء، یاری کرد: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱)

کم‌کم انقلاب پیروز و عصر جدیدی آغاز شد. انقلابی که دین و دنیا را در کنار هم گذاشت. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به جای تفرقه، ذلت، قساوت، خفقان و ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت به ارمغان آورد.

هم به آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) عمل شد و هم به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا» (مائدة، ۵۰) ناگفته پیداست که مستکبرین از این پدیده ناراحت شدند و توقع نداشتند غیر از قدرت شرق و غرب قدرتی پیدا شود و کسی راه جدیدی را بدون اعتنا به قدرت‌ها برای خود پیش گیرد و می‌گفتند: «آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» (اعراف، ۱۲۳)

فشارها شروع شد، تدبیرها به کار افتاد، ولی خداوند هم چنان مردم را یاری کرد و هر چه آن‌ها تدبیر و توطئه کردند، خنثی شد: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران، ۵۴)

با مقایسه، مسایل بهتر روشن می شود. در قرآن ده‌ها آیه برای بصیرت‌افزایی از راه مقایسه آمده است. مثلاً می فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده، ۱۸) و در آیه دیگر می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹) به پیروی از این اصل، مقایسه‌ای بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می‌کنیم:

* از عقب ماندگی شرم‌آور تا پیشرفت‌های شگفت‌آور
 * نگاهی به گذشته، نسبت به انواع عقب‌افتادگی‌های علمی، سیاسی، معنوی، با تحقیر و به استضعاف کشیدن، و نداشتن تجربه برای انقلاب اسلامی و در کنار همه این‌ها، همه چیز علیه انقلاب بودن، انسان را یاد خرافات جاهلی می‌اندازد. که خدای آن‌ها بت، قحطی بر آن‌ها حاکم، مردم در جاهلیت و تحجر، دخترکشی و فضیلت‌کشی رسم، توده‌ی مردم به فکر شب و شراب و شهوت و غارت بودند.

ولی به برکت اسلام از جهل به علم، از دشمنی: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً» (آل عمران، ۱۰۳) به محبت: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) از بخل به ایثار: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ» (حشر، ۹) از تحقیر زن به کرامت زن تا آنجا که زن لقب کوثر گرفت و خدمت به او پاداش جهاد پیدا کرد: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کافی، ج ۵، ص ۸۸)

در مقابل آن عقب‌افتادگی‌ها، انقلاب اسلامی به مسلمین عزت و استقلال و عقلانیت و برادری و آزادی عطا کرد. برای هر یک از این داشته‌ها، آیات و روایات فراوانی داریم. این انقلاب به دست مرجع تقلیدی مثل امام خمینی (ره) و علمای همراه با ایشان شکل گرفت که حضرت علی

علیه السلام وظیفه آنان را قیام علیه پرخوران و حمایت از گرسنگان قرار داد: «وَمَا أَحَدٌ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرُؤُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

همین جمله حضرت علی علیه السلام دلیل آن است که باید مردم با رهبری علماء تشکیل حکومت و قدرت دهند، تا بتوانند از پرخوران بگیرند و به گرسنگان بدهند و بدون قدرت و حکومت این سفارش حضرت علی علیه السلام عملی نمی‌شود.

البته قلّه‌ای که همه باید به آن توجه کنند، عدالت جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام است، ولی در زمان غیبت، خود آن بزرگواران سفارش کرده‌اند که فقیه عادل مخالف هوی نزدیک‌ترین فرد به رهبر معصوم است. مخفی نماند که در هر کشوری اختلاف هست و باید یک نفر فصل الخطاب باشد.

در خود آمریکا همین که بین رئیس جمهور قبل بوش و رقیبش اختلاف افتاد، رئیس قوه‌ی قضاییه حرف آخر را زد. در سایر کشورها نیز باید مرجعی برای پایان دادن به اختلافات باشد که همه در برابر او تسلیم باشند.

امتیاز جمهوری اسلامی آن است که آن کسی که باید حرف آخر را بزند، باید باسوادترین، باتقواترین، عادل و بی‌هوس باشد، به گونه‌ای که هیچ تهدید و تطمیعی او را به قضاوت خلاف و ندارد.

ناگفته پیداست که سخن از عصمت ولی فقیه نیست، بلکه سخن از حجت بودن کلام او است، ممکن است فتوای مرجعی تغییر کند، یا دانشمندی در نوشته خود تجدیدنظر کند، یا پزشکی در نسخه خود اشتباه کند، اما همه‌ی عقلای دنیا در طول تاریخ به کارشناس خبره مراجعه می‌کنند، و

سخن او را ملاک قرار می دهند، با اینکه می دانند ممکن است، درصدی خطا داشته باشد.

ما باید نگاهی به نظام خود بیندازیم، و بدانیم این انقلاب چه ویژگی های منحصر به فردی دارد.

ما هرگز آغازگر جنگ نبودیم. حتی به آمریکا و صدام اولین گلوله را شلیک نکردیم و به قول قرآن آنان آغاز کردند: «وَهُمْ بَدَوْكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ» (توبه، ۱۳)

همیشه حامی مظلومان بودیم. قرآن ما را توبیخ کرده است که چرا در حمایت از مظلومان قیام نمی کنید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (نساء، ۷۵)

حرکت ما بر اساس وظیفه بوده و لذا هرگز منفعل و مردد نبودیم. همانگونه که تابلوی کتاب آسمانی ما، «لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره، ۲) است.

بی رحم و خونریز نبودیم، قرآن می فرماید: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹)

اگر خطایی پیش آمده، آماده اصلاح و تصحیح هستیم. زیرا امام سجاد علیه السلام از خدا می خواهد از راهنماها پیروی کند: «وَمُتَابِعَةً مَنْ أَرَشَدَنِي» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰)

بی انصاف نبودیم. زیرا قرآن به ما آموخته است که حتی در انتقاد از شراب و قمار از منافع مادی آن غفلت نشود: «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا» (بقره، ۲۱۹)

قرآن به ما دستور می دهد که حتی اگر یک نفر از مشرکین، در جبهه جنگ، مهلت تحقیق خواست به او فرصت دهید تا کلام خدا را بشنود و او را با حفاظت کامل به محل امن خود برسانید که اضطرابی نداشته باشد. دینی که منطقی و عقل دارد،

عجله ندارد و دلسوزی اسلام به قدری است که در سخت‌ترین شرایط که زمان جنگ است، حتی برای یک نفر (نه جمعیت کثیر) فضای تحقیق و پژوهش و فکر باز می‌کند و به مسلمین دستور می‌دهد که این محقق را سالم به خانه خود برسانید: «وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه، ۶)

حرف خود را با صراحت و شجاعت گفته‌ایم. زیرا قرآن به ما سفارش کرده که به دشمنان بگویید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» (کافرون، ۶)

حتی در دشمنی‌ها از افراط و تفریط دور بودیم. زیرا قرآن فرموده است: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری، ۴۰)

قدرت خود را روز به روز افزایش داده‌ایم، زیرا قرآن گفته است: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰)

مروت و جوانمردی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌ایم، چرا که قرآن فرموده است: «الْيَسَّ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (هود، ۷۸) امام حسین علیه‌السلام به مخالفین خود در کربلا فرمود: اگر دین ندارید، لااقل جوانمرد باشید. «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ»

وقتی لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد، مستکبران ترسیدند: «وَ قَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ» (احزاب، ۲۶) فکر نمی‌کردند که سفارت‌خانه آن‌ها ناامن شود: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» (حشر، ۲) مکتوبات خود را با دست خود چرخ کردند: «يُخْرِطُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ» (حشر، ۲) خیال می‌کردند سفارت‌خانه محل امن آن‌ها است «وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ» (حشر، ۲)

بعضی از مهره‌های خودباخته طبق سیاست‌های کلیشه‌ای

معتقد بودند که حتما باید به قدرتی وصل بشوند. انقلاب آمد و گفت: نه شرقی و نه غربی و فقط خدا: «قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ» (انعام، ۹۱)

در انقلاب مردم خود را متحد با هم می دانستند که قرآن می فرماید: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، ۱۹۵) جوانان وارد میدان شدند. قرآن می فرماید: ابراهیم صدساله همراه اسماعیل سیزده ساله هر دو مسئولیت تطهیر مسجد الحرام را دارند «ظَهِّرَا بَيْتِيَ» (بقره، ۱۲۵)

مردم دور امام پروانه وار چرخیدند و اطاعت کردند: «هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال، ۶۲) هشت سال جنگ آنان را خسته نکرد: «قَالُوا رَبَّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳) روحیه «ما می توانیم» در مردم تزریق شد و باور کردند که قرآن وعده داده است که: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) تمامیت ارضی تضمین شد و دشمن را به عقب رانده و منطقه تصاحب شده را پس گرفتند و به آیهی «فَقَاتِلُوا آلَ بَنِي نَبِيِّكَ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللّٰهِ» (حجرات، ۹) عمل شد.

دست نشاندهای آمریکا را از کشور بیرون کردند که قرآن سفارش کرده بود: «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ» (آل عمران، ۱۱۸) با لبخندهای دشمن فریب نخوردند: «وَوَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم، ۹) فهمیدند که دشمن خیر ما را نمی خواهد و اگر جوانان ما به کمالی برسند عصبانی می شوند ولی به آنان گفتیم: «قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ» (آل عمران، ۱۱۹)

دشمن هرگز خیرخواه ما نبوده، بلکه خواهان سختی و دردمس ماست. «وَوَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران، ۱۱۸) اتکا به توانایی داخلی انجام گرفت، چنان که نماز به ما آموخت که باید در سایه حول و قوه الهی کار کرد، ولی با تکیه بر

قیام و قعود خودمان: (بحول الله و قوته اقوم و اقعد)
 بدخواهان همیشه در فکر خاموش کردن نور خدا بودند:
 ولی روز به روز جلوه‌ی حق بیش تر شد: «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ
 اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (صف، ۸)

ما نباید از دشمن انتظار خیر داشته باشیم. او بقدری خبیث
 است که اگر سیل یا زلزله‌ای، ویرانی بزرگی ایجاد کرد، هرگز
 حاضر نیست خود کمک کند و حتی مانع کمک‌های دیگران
 نیز می‌شود.

دشمنان، صدام را به غرور واداشتند که چند روزه ایران را
 خواهی گرفت و به قول قرآن: «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ» (انفال، ۴۸)
 ولی تیرشان به سنگ خورد.

دشمن از هیچ‌گونه تضعیف رهبر، مکتب، امت فروگذار
 نکرده، ولی پیروان حق همیشه در تاریخ پیروز بوده‌اند.

قرآن به ما آموخت که دشمن شما را سفیه می‌خواند: «أَلَمْ
 تَأْمِنُوا كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ» (بقره، ۱۳) به شما می‌گوید: پیغمبر
 یک انسانی است مثل شما! «مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا» (هود، ۲۷)
 و پیروان پیامبر ارازل و اوباش هستند: «هُمْ أَرَادُوا بَادِيَ الرَّأْيِ»
 (هود، ۲۷) تا با تحریم اقتصادی دور پیغمبر را خلوت کند: «لَا
 تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا» (منافقون، ۷)
 گاهی با نمادهای مذهبی، مانند مسجد ضرار، قرآن به نیزه
 کردن و سوگند دروغین: «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» (مجادله، ۱۶)
 و گریه قلابی: «وَجَاؤُا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (یوسف، ۱۶) ایجاد
 تفرقه: «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا» (قصص، ۴) سفرها و کنفرانس‌ها
 و متینگ‌ها: «لَا يَعْزُبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ» (آل عمران،
 ۱۹۶) انواع نیش زبان‌ها «وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ...
 أَذَىٰ كَثِيرًا» (آل عمران، ۱۸۶) می‌خواهد شما را از میان بردارد.

اما خداوند وعده داده است که: «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ» (فیل، ۲) آیا نیرنگشان را بی اثر نساخت؟ «لَا يُضِرُّكُمْ كَيْدُهُمْ» (آل عمران، ۱۲۰) حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچگونه آسیبی به شما نرساند.

« ۱. توجه به تاریخ

هدف قرآن از نقل تاریخ، عبرت آموزی است، نه داستان سرایی.

توجه به تاریخ سبب غفلت‌زدایی و سازنده است و بی‌توجهی به آن، سبب توبیخ است. «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (توبه، ۷۰)

سنت‌های تاریخ ثابت است و برای همه مفید است و توجه به تاریخ هر قوم، برای تبلیغ و تربیتشان لازم است. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ» (رعد، ۳۰)

توجه به تاریخ، زمینه‌ی صبر و شکر را در انسان به وجود می‌آورد. یادآوری مصیبت‌ها و تلخی‌های گذشته و برطرف شدن آنها، انسان را به شکر وادار می‌کند. توجه به پایداری امت‌ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت می‌کند. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»، «أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ»، «مَسَّئُهُمُ الْبَاسَاءُ وَالصَّرَاءُ»

توجه به تاریخ و سرنوشت سعادت آفرین کسانی که در امتحان پیروز شده‌اند و سرنوشت تلخ کسانی که در امتحانات الهی مردود شده‌اند، زمینه پیروزی در امتحانات الهی را فراهم می‌کند.

بهترین درس برای زندگی امروز، عبرت از تاریخ گذشته است. البته عبرت از تاریخ، به فطرتی سالم و روحی پاک نیازمند است.

«لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» آری، ایمان در بصیرت و روشن بینی انسان، تأثیرگذار است.

باید از تاریخ پیشینیان، عبرت بگیریم. «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اغْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ»، «قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا»، «كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ ...»، «فَانظُرْ ... عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ»، «فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ» آری بیان سختی‌ها و تلخی‌های گذشته، لذت آزادی امروز را چندین برابر می‌کند. «يَسْؤُمُونَكُمْ ... يَذِّحُونَ ... يَسْتَحْيُونَ» در تاریخ می‌خوانیم: قوم موسی پس از برخورداری از لطف ویژه‌ی الهی و رسیدن به حکومت، گرفتار ذلت و مسکنت شدند. یعنی «لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» به «بَأْوُ بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ» تبدیل شد.

باید توجه داشته باشیم که ایران قبل از انقلاب چه تاریخی داشته است. رژیم سلطنتی وابسته به بیگانگان، مستبد و فاسد، از طریق کودتا، صنعتش وارداتی، علمش ترجمه‌ای، کشورش تحت سلطه و تحقیرشده و عقب‌مانده، اخلاقش آلوده و غرب‌زده، تبلیغاتش ترویج فساد، خدماتش منحصر به شهرهای بزرگ، مناطق دوردست و روستاها محروم از بسیاری از خدمات، برنامه‌هایش سوق به فساد و بی‌بندوباری و دارای انواع عقب‌ماندگی‌ها در صنعت، سیاست، معنویت، فضیلت و نداشتن تجربه انقلابی، در حالی که همه چیز علیه حرکت انقلابی مسلمین بود، به‌گونه‌ای که با کشتن و زندان کردن و تهدید و شکنجه همه‌ی صداها را خفه می‌کردند.

« ۲. توجه به نوآوری‌ها

قرآن بارها خداوند را به نوآوری در زمین و آسمان‌ها و خلق جدید ستایش کرده است. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و گاهی

با کلمه انشأً به نوآوری اشاره کرده است. «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام، ۹۸) و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید.

در انقلاب اسلامی ایران، انواع نوآوری‌ها و ابتکارات را می‌بینیم.

۱. برآمدن انقلاب از ایمان و معرفت اسلامی
۲. طرح دین و دنیا در کنار هم
۳. شکستن چارچوب‌های کلیشه‌ای تقسیم قدرت در جهان که در گذشته یا باید شرقی بود، یا غربی!
۴. شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، کرد که در هر یک از این سه کلمه معانی والایی نهفته است.

البته نوآوری ممکن است توسط قوم ستمگر باشد که قرآن می‌فرماید: «لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» یعنی قوم عاد در ساختمان‌سازی ابتکار داشتند. البته هر ابتکاری ارزش ندارد. (نوآوری گناه، ضد ارزش است.) قرآن درباره قوم لوط می‌فرماید: شما در گناه نوآور هستید. «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (اعراف، ۸۰) همانگونه که نوآوری در دین اگر برخاسته از وحی نباشد، بدعت و حرام است. آری نباید به بهانه ابتکار و نوآوری و آزاداندیشی، دست به گفتن یا نوشتن چیزی به نام دین زد که از فرمان خدا و رسول جلو بیفتد.

« ۳. استقلال

قرآن درباره استقلال می‌فرماید: ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع ما هستید و استقلال ندارید. «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةً»

از نگاه قرآن، مسلمانان باید از تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند: «لَنْ

يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و از کسانی که دارای استقلال، حتی در فکر و عقیده نیستند، به شدت انتقاد کرده است. منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند به هر جهتی می‌چرخند، به دیگران وابسته و بی‌هدف سرگردانند. «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ»

کسی که به خدا و پیامبر ایمان قلبی داشته باشد، حاضر نیست ولایت غیر الهی را بپذیرد. «لَوْ كَانُوا يَوْمَنُونَ ... مَا اتَّخَذُواهُمْ أَهْلًا» (راه رسیدن به استقلال واقعی و رهائی از سلطه‌ی کفار، ایمان است)

آری آنان که در راه و خط خدایند، نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند. «مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»

در قرآن می‌خوانیم که رهبر جامعه اسلامی هم باید استقلال رأی داشته باشد و گرفتار فضا سازی‌ها و جوسازی‌ها و فشارهای داخلی و خارجی نگردد. «لَوْ يَطِيعُكُمْ ... لَعَنِتُمْ ...»

« ۴. آزادی

آزادی از سلطه‌ی طاغوت‌ها، از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست. چنانکه خداوند در میان همه نعمت‌ها، نام آن را برده است. «نَجَّيْنَاكُمْ»

جنگ‌های اسلامی یا برای دفاع است و یا برای برداشتن ستمگرانی که مانع انتخاب آزادانه راه حق می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و با آنها بجنگید تا فتنه (بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند. و در جای دیگر می‌خوانیم «فَقَاتِلُوا أَلِيَّةَ الْكُفْرِ»

فرعون به مؤمنین گفت: چرا بدون اذن من به موسی ایمان می‌آورید. «قَالَ فِرْعَوْنُ أَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ» آری

در استعمار فرهنگی حکومت‌ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می‌شود و می‌گفت: «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى» من جز آن چه را که تشخیص می‌دهم راه دیگری به شما ارائه نمی‌دهم. طاغوت‌ها جز برای خود، برای هیچ کس حق اظهار نظر قایل نیستند.

سنت و قانون خداوند، آزاد گذاشتن انسان است. او می‌تواند مردم را به اجبار به راه حق وادار کند، اما رشد واقعی در سایه آزادی است. در قرآن می‌خوانیم که اگر خدا می‌خواست، اختلاف و نزاعی میان مردم ایجاد نمی‌شد.

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «لا تكن عبد غيرك و قد جعلك الله حراً»، بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.

اسلام، برای آزادسازی مستضعفان دربند و مظلومان تاریخ سفارش کرده و از بی‌تفاوتی نسبت به مظلومان توبیخ کرده است. «وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» (نساء، ۷۵)

آزادی به قدری مهم است که وقتی در مکه به شخصی ظلم شد، پیغمبر اسلام قبل از نبوت با چند نفر از مشرکین مکه پیمان بستند که علیه هر ظالمی بشورند و احدی در مکه مورد ظلم قرار نگیرد و بتواند آزادانه زندگی کند. این پیمان به نام حلف الفضول بود که نوعی بیمه بود برای فقیران و ورشکستگان. پیامبر (ص) فرمود: «من شاهد پیمانی بودم که بسیار برای من محبوب بود و دوست دارم در اسلام هم باشد» یکی از اهداف انبیاء، آزادسازی اسیران دربند است، حضرت موسی به فرعون گفت: «فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ» البته اگر کسی خواست از آزادی سوء استفاده کند، باید او را از کار خودش بازداشت. مخالفین حضرت شعیب به او

می‌گفتند: چرانمی‌گذاری ما در اموال خودمان آزادانه به هر نحو که می‌خواهیم عمل کنیم؟ آنان می‌خواستند با کم‌فروشی و ضایع کردن حق مردم و اسراف و ولخرجی و عیاشی، ثروت خود را مصرف کنند ولی حضرت شعیب مانع بود. قرآن می‌فرماید: «أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ ... أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» آری مالکیت، دلیل جواز هر نوع مصرف نیست.

در صدر اسلام، مردی از خودراضی و لجوج به نام «سَمْرَه» گاه و بیگاه بی‌اجازه و سرزده وارد باغ محل زندگی یکی از یاران پیامبر می‌شد و مزاحم خانواده او بود. بهانه او هم این بود که من در گوشه باغ درختی دارم و برای سرزدن به آن وارد باغ می‌شوم. صاحب باغ به سمره گفت: رسیدگی به آن درخت مانعی ندارد ولی قبلاً آمدن خود را اطلاع دهید و سرزده وارد نشوید. سمره گفت: لازم نیست. صاحب باغ به نزد پیامبر آمد و از او شکایت کرد. حضرت، سمره را احضار و موعظه کرد، اما او زیر بار نرفت، پیامبر فرمود: این درخت را با درخت دیگری که در مکان دیگری است عوض کن، حاضر نشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: درخت خود را به صاحب باغ بفروش، ولی راضی به این کار هم نشد. حضرت فرمود: پس لا اقل با اجازه وارد باغ شو. باز قبول نکرد. پیامبر فرمود: از این درخت صرف نظر کن تا من در بهشت درختی را برای تو ضمانت کنم، اما او لجاجت کرد و نپذیرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که بنای او بر لجاجت است، دستور داد درخت را از ریشه کنده و دور بیاورد. (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۰) و فرمود: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی کسی نمی‌تواند به بهانه مالکیت شخصی، سبب ایجاد مزاحمت و سلب آزادی دیگران شود. این جمله برای فقهاء سند محکمی برای بسیاری از فتواها و

مسائل حقوقی است.

از مهم‌ترین فلسفه‌ی بعثت انبیا علیهم السلام، طاغوت زدایی، آزادی و رهایی انسان‌ها از قید بندگی دیگران است. قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶) آری دعوت به توحید و دوری از طاغوت، در رأس برنامه همه پیامبران بوده است و خداپرستی با پذیرش سلطه‌ی طاغوت‌ها و ستمگران، نمی‌سازد و با ایمان و عبادت و اتصال به خداوند، انسان قدرت مبارزه با طاغوت‌ها، پیدامی‌کند.

در قرآن مجید، بارها به مسئله‌ی آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و عقیده اشاره شده است و فرموده: ای پیامبر تو جبار نیستی تا مردم را به اجبار به راه حق دعوت کنی. «لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»، «مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ»، «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»، «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ»، «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» و «قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ».

مخفی نماند که بعضی آزادی را معنای بی‌تفاوتی، ولنگاری و هرج و مرج معنا می‌کنند. در حالی که آزادی به این معنا گرچه ممکن است، موقتاً به سود افراد عیاش باشد، ولی برای اخلاق اجتماعی و آزادی اجتماعی و رشد معنوی مانع است. همانگونه که کودک دوست دارد، آزادانه هر چه را می‌خواهد بخورد، غافل از آنکه این آزادی در خوردن، در پیش چشم والدین کار منفی است و نوعی آسیب به جسم بچه یا محروم کردن دیگران از حق خود می‌شود.

چشم‌چرانی یک نوع آزادی است، ولی مرد چشم‌چران، همسر و زندگی خود را با کسانی که در خیابان دیده است، مقایسه می‌کند و خودش را ناراضی، اخلاقش را تند و زندگی‌اش

راتلخ و گاهی متلاشی می‌کند.

« ۵. جمهوری اسلامی

در این عبارت، هم به آیه «شاورهم فی الامر» عمل شده و هم به دستورات الهی! در جمهوری اسلامی هم عزت نهفته است، تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی، اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی که هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ کس بر رأی دیگری مقدم نیست.

در بعضی از کشورهای دنیا رأی مردم هست، ولی قانون خدا نیست. ولی در جمهوری اسلامی، ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین قله‌ی درخشش انقلاب است. وارد کردن عنصر اراده‌ی ملی به کانون مدیریت کشور، با حضور امت در همه‌ی صحنه‌های مدیریتی از مزایای جمهوری اسلامی است.

« ۶. تقابل اسلام و استکبار

در دنیای امروز رویارویی‌ها بر اساس نژاد، لهجه، سرمایه، سیاست و امثال آن است. ولی در فرهنگ اسلام، رویارویی میان اسلام و کفر، اسلام و استکبار، اسلام و استثمار و استعمار، عدالت و ظلم، مشورت و استبداد است.

« ۷. توجه به نعمت‌های خاص

بعضی از نعمت‌های الهی عام است، نظیر، علم و قدرت و وحدت و صنعت و سیاست و امثال آن. ولی بعضی از نعمت‌های الهی خاص است، در انقلاب اسلامی، ما انواع

- مزایای خاص دیده می شود از جمله:
۱. بزرگترین، موفق ترین، فعال ترین، ریشه دارترین انقلاب عصر جدید، ایرانی و ملی، دینی، پیشرو و درخشان
 ۲. مردمی ترین انقلاب عصر جدید
 ۳. تنها انقلاب بدون خیانت به آرمانهایش پس از یک چله ی پرافتخار
 ۴. صیانت کننده از کرامت خود
 ۵. صیانت کننده از اصالت شعارهای خود
 ۶. پدیده های زنده
 ۷. قدرتمند (با قدرت)
 ۸. مهربان
 ۹. باگذشت
 ۱۰. باشکوه
 ۱۱. بااراده
 ۱۲. با صداقت
 ۱۳. با صراحت
 ۱۴. با اقتدار
 ۱۵. با مروّت و جوانمرد
 ۱۶. با دامنه ی عمل جهانی و منطقهای
 ۱۷. همراه مظلومان جهان
 ۱۸. فاصله نگرفتن از ارزش های آمیخته با ایمان دینی مردم با هیچ بهانه ای
 ۱۹. دچار نشدن به رکود و خموشی پس از نظام سازی
 ۲۰. عدم ارتکاب افراط ها
 ۲۱. عدم ارتکاب چپ روی ها
 ۲۲. عدم شلیک اولین گلوله (حتّی به امریکا و صدام)

۲۳. دفاع پس از حمله ی دشمن
 ۲۴. فرودآوردن ضربت متقابل محکم بر دشمن
 ۲۵. ایستادگی در برابر زورگویان و گردنکشان با صراحت و شجاعت
 ۲۶. دفاع از مظلومان و مستضعفان با صراحت و شجاعت
 ۲۷. انعطاف پذیر
 ۲۸. آماده ی تصحیح خطاها
 ۲۹. مواجهه ی ایجابی با نقدها
 ۳۰. ثبات و امنیت و تمامیت ارزی و حفاظت از مرزها
 ۳۱. شکسته شدن ابهت قلدران و مستکبران
 ۳۲. مشارکت مردمی در مسایل سیاسی
 ۳۳. گام‌هایی به سوی عدالت
 ۳۴. بالارفتن عیار معنویت

« ۸. پاک سازی و طرد افراد نفوذی »

در طول تاریخ عوامل نفوذی با اسم‌های مختلف از جمله به نام دیپلمات، خطرناک‌ترین جاسوس‌ها را به کشورها اعزام می‌کنند. به نام مستشار نظامی، توطئه‌گری می‌کنند و به اسرار نظامی دست می‌یابند. به نام حقوق بشر، از مزدوران خود حمایت می‌کنند. به نام دارو، برای مزدوران خود اسلحه می‌فرستند. به نام کارشناس اقتصادی، کشورهای ناتوان را ضعیف نگه می‌دارند. به نام سم‌پاشی، باغها و مزارع را از بین می‌برند و حتی به نام اسلام‌شناس، اسلام را وارونه جلوه می‌دهند.

ولی انقلاب اسلامی به قرآن عمل کرد که می‌فرماید: «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ» (آل عمران، ۱۱۸) «بِطَانَةٌ» به لباس

زیر گفته می‌شود که به «بطن» و شکم می‌چسبد. این کلمه، کنایه از محرم اسرار است. بر این اساس، نباید بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهیم. وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی، ممنوع است و رازداری، یک وظیفه‌ی قطعی است. هر مسلمانی هم که مصداق «دُونِکُمْ» باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد، زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه‌جو و جاسوس، کم نیستند. ملاک دوستی و روابط صمیمانه‌ی مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد. «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِکُمْ»

از وظایف هر مسلمان آن است که دست‌نشانده‌ها و عناصر خائن را شناسایی و در مقام طرد و حذف آنان گام بردارد. در قرآن می‌خوانیم که در میان مسلمین افراد نفوذی بودند: «وَ فِیکُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ» (توبه، ۴۷)

در میان مسلمانان افرادی هستند که امور را گاهی با بزرگ‌نمایی و گاهی با کوچک‌نمایی واژگونه نشان می‌دهند: «وَ قَلْبُوا لَکَ الْأُمُور» (توبه، ۴۸) تحریف واقعیت‌ها و گزارش‌های جعلی برای رهبر، کار منافقان است و رهبر امت اسلامی باید هوشیار باشد و به هر گزارشی اعتماد نکند.

قرآن این افراد را دشمن واقعی دانسته و می‌فرماید: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ» آنان دشمنان تو هستند، از آنها برحذر باش. «هم العدو» یعنی دشمن واقعی این افراد هستند، زیرا اولاً درون جامعه هستند و از اسرار مسلمانان آگاهند، ثانیاً چون در لباس دوست هستند، شناخت آنان مشکل است، ثالثاً چون ناشناخته‌اند، مبارزه با آنان سخت‌تر است، رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمانان دارند، برخورد با آنان پیچیده‌تر است و خامساً ضربه آنان غافلگیرانه‌تر است.

« ۹. عزت

مسلمانان باید باور کنند که تمام عزت برای خدا و رسول و مؤمنان است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امور مسلمانان را به خودشان واگذارده، ولی اجازه ذلیل کردن خود را به آنان نداده است: «و لم يفوض اليه ان يكون ذليلا» (کافی، ج ۵، ص ۶۳) در حدیث می‌خوانیم که پرسیدند: چگونه مؤمن خود را ذلیل می‌کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «یتعرض لما لا يطيق و یدخل فیما یعتذر منه» در کاری که توان انجامش را ندارد و از انجامش معذور است وارد می‌شود.

ناگفته پیداست که معنای عزت داشتن ثروت و قدرت نیست، بلکه معنای عزت، صلابت و نفوذناپذیری است. به زمین سخت می‌گویند «ارض عزاز»، یعنی بیل و کلنگ در آن فرو نمی‌رود. مؤمن عزیز است، یعنی حاضر نیست با هیچ‌گونه تهدید و تطمیع از منطق و راه خود دست بردارد، یا نسبت به دشمن کوتاه بیاید یا سازش و عقب‌نشینی کند.

ممکن است، فردی مثل اباذر بدون داشتن امکانات و قدرت بر سر فردی مثل معاویه فریاد بکشد. این‌گونه افراد عزیزند و در مقابل افرادی هستند که امکانات زیادی دارند ولی باز هم به خاطر ترس یا طمع از موضع خود عقب‌نشینی کنند. این‌گونه افراد ذلیل هستند گرچه همه چیز داشته باشند.

قبل از انقلاب اسلامی آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند. حتی امروز سران بعضی کشورها با حمایت‌های آمریکا جابجا می‌شوند. ولی با لطف الهی پس از

انقلاب و جانفشانی‌ها، حتی یک فرد از مسئولین یک شهر و روستا را نمی‌توانند تعیین کنند و این انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم‌سالاری و اراده ملی و ترویج فرهنگ «مامی توانیم» و اتکاء به توانایی داخلی و امثال آن برای ایران عزت‌آفرینی کرد.

« ۱۰. توجه به نقش جوانان

جوانان دارای همت بلند و امیدوار، هوشیاری، سرعت عمل، ابتکار، عمل جهادی، روحیه انقلابی، برادری و ایثار، همراه با ذکر و دعا و پاسداری از عظمت و هیبت الهی و شجاع در برابر متکبر و مستکبر، حماسه‌آفرین، عدالت‌دوست، استوار، مسئولیت‌پذیر، فعال، پیشگام، تسخیرکننده قله‌های علمی، ناکام‌ساز دشمن و آماده برداشتن گام‌های بلند، فعال در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی، در عرصه‌ی دین و اخلاق و معنویت، با درس‌گرفتن از تجربه‌ها، و با نگاه انقلابی و جهادی مانع ویژه‌خواران، دشمن فریب‌کاران و حامی مستضعفان هستند و می‌توانند برای مقابله با سبک‌زندگی غربی گام‌های بلندی بردارند.

قرآن به نوجوانان سفارش می‌کند که باید در مصالح و مفاسد جامعه خود را دخالت دهند: «يَا بَنِي آقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آئِهْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (لقمان / ۱۷) یعنی نوجوان می‌تواند نسبت به معروف‌ها امر کند و نسبت به منکرات نهی کند. این عمل نشانه آن است که نوجوان باید، هم بفهمد، هم تشخیص دهد، هم فریاد کشد، هم شجاع باشد، هم متعهد باشد و گرنه بدون این‌ها نمی‌تواند امر و نهی کند. در بعضی آیات می‌خوانیم که حضرت ابراهیم علیه‌السلام به

پدر یا عموی خود می‌گفت: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم، ۴۲) ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و تو را از هیچ چیز بی‌نیاز نمی‌کند؟ آری نهی از منکر مرز سنی ندارد. پسر می‌تواند بزرگ خانواده را نهی کند، اما باید احترام آنان را حفظ کند. زیرا همیشه کمال افراد به سن آنها بستگی ندارد؛ گاهی فرزند خانه از بزرگ‌ترها بهتر می‌فهمد.

قرآن به سوره یوسف نام احسن القصص داده است. شاید به خاطر آن باشد که محور این سوره یک نوجوان به نام یوسف است. در سیره پیامبر می‌خوانیم که مسئولیت تبلیغ اسلام در مدینه را به جوانی به نام مصعب واگذار کرد و فرمانده نظامی لشکر، شخصی به نام زید ۱۸ ساله بود. در قرآن می‌خوانیم که مسئولیت تطهیر مسجد الحرام به عهده سالمندی به نام ابراهیم و نوجوانی به نام اسماعیل واگذار شد. «طهرا بیتی»

قرآن در بیان کمالات، سالمند و نوجوان را در کنار هم تجلیل می‌کند و می‌فرماید: ابراهیم و اسماعیل هر دو با هم تسلیم فرمان خدا شدند. «فَلَمَّا أَشْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ» (صافات، ۱۰۳) امام حسین علیه السلام در کربلا، هم جوانان و هم نوجوانان را با خود برد. در انقلاب ایران حضور جوانان در راهپیمایی‌ها، جبهه‌ها، بازسازی‌ها، تشکیل مراکز امدادی و خدماتی از یک سو، و پیشرفت و توسعه دانشگاه‌ها و فناوری‌ها از سوی دیگر و توجه به معنویاتی از قبیل اقامه نماز در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و رشد مسأله اعتکاف و حفظ قرآن بر هیچ منصفی پوشیده نیست.

رونق معنوی را باید در زائران مکه و کربلا و مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و

پیاپیبه روی‌های اربعین و دل‌کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه‌ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده‌اند، پیدا کرد.

نوجوانان دیروز که امروز جوانان دانشمند و مخترعان برجسته شده‌اند و انواع وسایل زیرساختی و صنعت‌های پیشرفته دفاعی و رشد مسایل بهداشتی و پزشکی در همه صحنه‌ها پدید آمده است، همه در سایه برکات انقلاب بوده است.

البته جمعی هم فاسد و مفسد و خائن پیدا می‌شوند، ولی آمار افراد خدمتگزار امین به مراتب بیش‌تر از این افراد است. این رشد معنوی، مرحله نخستین خودسازی و گامی به سوی مرحله جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است.

« ۱۱. پایداری و استقامت

مدعیان زیادند ولی همه صالح و صادق و وفادار نیستند. چه افرادی با خدا عهد می‌بندند که اگر وضع مالی و اقتصادی ما خوب شود، به دیگران کمک می‌کنیم، ولی پس از رسیدن به مقصد، عهد خود را فراموش می‌کنند. «و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ» (توبه، ۷۵) و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. «فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوْا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُّعْرِضُوْنَ» (توبه، ۷۶) پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و (به پیمان) پشت کرده و روی‌گردان شدند.

ولی در برابر این گروه افرادی هستند که تا پای جان از فکر

و منطق و شعار خود دفاع می‌کنند. یکی از برکات جمهوری اسلامی آن است که به شدت پای بند به اصول خود و مرزبندی خود در مقابل رقیبان و بی‌مبالاتی نکردن با خطوط اصلی خود و در عین حال منطقی بودن و متحجر نبودن و توجه به پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه نواست.

اسلام عنصر فقاقت رایک اصل می‌داند و به همه سفارش کرده است که در حوادث واقعه که بیش‌تر آن مسایل جدید و نو است، به فقهای عالم به زمانه مراجعه کنید تا مسأله و تکلیف جامعه بر اساس اصولی که در اختیار فقیه است روشن شود.

« ۱۲. دستاوردهای جمهوری اسلامی

* کشوری مستقل و آزاد (که درباره استقلال و آزادی مطالبی را آوردیم)

* کشوری مقتدر که قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال، ۶۰) و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد.»

جالب آن است که بعد از این فرمان آماده باش همه‌جانبه،

در آیه بعد می فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، ۶۱) و اگر (دشمنان) به صلح تمایل داشتند، (تو نیز) تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، همانا او شنوا و داناست.

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می نویسد: «لا تدفعنَّ صلحاً دعاك اليه عدوك و لله فيه رضا فانَّ في الصلح دعة لجنودك و راحةً من همومك و أمناً لبلادك و لكن الحدركل الحدرك من عدوك بعد صلحِه، فان العدو ربّما قارب ليتغفل» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) صلح پیشنهادهی دشمن رارد مکن، ولی پس از صلح هوشیار باش و از نیرنگ دشمن بر حذر باش، چون گاهی نزدیکی دشمن، برای غافلگیر کردن است!

۱- آری مسلمانان باید در اوج قدرت باشند تا تقاضای صلح، از سوی دشمن باشد. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ»

۲- اسلام، جنگ طلب نیست. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»

۳- فرمان جنگ و پذیرش صلح، با پیامبر خدا و از اختیارات رهبری جامعه اسلامی است. «فَاجْنَحْ» نفرمود: «فاجنحوا»

۴- در پذیرش صلح، هم احتمال خطر و توطئه است، هم زخم زبان برخی دوستان، ولی باید بر خدا توکل کرد. «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»

این آیه را باید در کنار آیه ی ۵۸ انفال در نظر گرفت که اگر رهبر مسلمانان با شواهد و قرائنی، یقین به خدعهی دشمن در سایه ی صلح داشت، حساب دیگری دارد، ولی در صورت احتمال حسن نیت، باید با هوشیاری آن را بپذیرد.

آری اگر ما به وظیفه ی خود عمل کنیم، نباید از مشکلات بترسیم، چون خداوند، گشاینده ی مشکلات است. «أَيَّدَكَ

بِنَصْرِهِ» و حمایت‌های مردمی، به اراده‌ی خداوند در جهت یاری شماست. «أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»

البته اقتدار مسلمانان تنها به خاطر تجهیزات و نفرت و مهمات نیست، بلکه اقتداری برخاسته از ایمان به خدا، و اطمینان به نصرت‌های او «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» و همراهی نیروهای خودی است: «حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ أَتْبَعَكَ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال، ۶۴) برای تو (حمایت) خداوند و پیروان با ایمانت کافی است (و نیازی به حمایت گرفتن از دیگران نداری). مؤمنان انقلابی امیدوار به وعده‌های الهی هستند که می‌فرماید: ۲۰ نفر مقاوم بر ۲۰۰ نفر از دشمنان پیروز هستند. «عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُونَ مِائَتِينَ» و حتی در برخی مواقع که ضعفی احساس شود، باز هم به خود اطمینان دارند: «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ» (انفال، ۶۶) اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر (از کفار) پیروز می‌شود، و اگر از شما هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر (از آنان) پیروز می‌شوند.

این اشاره به اقتدار نظامی! و اما اقتدار علمی و عملی! همانگونه که تاریخ نشان می‌دهد، مسلمین بنیانگذار بسیاری از علوم بوده و امروز نیز در کشور ما هر روز گام‌هایی به جلو برداشته می‌شود و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور و رکوددار در شتاب پیشرفت-های علمی در جهان و در منطقه و مانع سلطه دوباره قلدران جهانی و برنده‌ی رتبه‌های نخست در رشته-های حساس و نوپدید، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، در انگیزه-های جهادی، در جمعیت جوان کارآمد است. همراه با معنویت و اخلاق و برداشتن گام‌هایی در راه عدالت!

گرچه هنوز به عدالت کامل و جامع نرسیده‌ایم، ولی گام‌های بلندی به سمت عدالت برداشته‌ایم. بردن دانشگاه‌ها در شهرها، و آوردن جوانان مستعد از شهرها به مراکز علمی، بردن علم‌آموزی در روستاها، رشد شرکت دختران در کلاس‌ها، جابجایی خدمات از مرکز به همه جای کشور و رسیدن به بعضی از مسایل حساس نظیر، هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، نانو، هوافضا و امثال آن!

« ۱۳. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی آن است که با توجه به قدرت خودی، و شعار «ما می‌توانیم» و بی‌اعتنایی به انواع وابستگی‌ها، همراه با جوشش انقلابی و نظم سیاسی و دوری از رکود و خموشی و فداکاری و نشاط و دوری از زورگویی و تحمیل عقیده، همراه با حق تصمیم‌گیری و مشورت با افراد باشد.

« ۱۴. عزت، حکمت، مصلحت

در همه برنامه‌ها و قراردادهای و برقراری روابط یا قطع روابط باید به این اصل توجه شود و نبود هر یک، نقص مهمی است.

« ۱۵. داشته‌ها و سرمایه‌ها

در سوره ابراهیم از آیه ۳۲ به بعد نعمت‌هایی را می‌شمارد و می‌فرماید: آب باران، انواع میوه‌ها، رام شدن کشتی‌ها در دریا، وجود نهرها، مسخر بودن خورشید و ماه و شب و روز، همه و همه نعمت‌های الهی در دست شماست که اگر بخواهید آن‌ها را بشمارید نمی‌توانید. در پایان آیه می‌فرماید: اگر به این

داده‌ها و سرمایه‌ها توجه و در جای خود به کار گرفته نشود، انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم، ۳۴)

در سایه انقلاب اسلامی، نعمت‌های بسیاری از سوی خدا بر این مردم نازل شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. رستاخیز علمی در کشور با پیشینه‌ی دو دهه‌ای و با سرعت غافلگیرکننده برای ناظران جهانی
۲. وجود هزاران شرکت دانش‌بنیان
۳. وجود میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل

۴. وجود هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور

۵. شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی

۶. نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی

۷. ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی

۸. تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی

۹. برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی

۱۰. درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی

۱۱. به‌ثمر رسیدن ده‌ها طرح بزرگ راهبردی در کشور با

رتبه‌های نخستین در جهان، از قبیل: چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فتاوری نانو، زیست‌فتاوری، و ...

۱۲. وجود هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در

حوزه‌های عمران، حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب، و ...

« ۱۶. رکود و توقف ممنوع!

با وجود آن همه داشته‌ها و این همه پیشرفت‌ها نباید توقف کنیم.

۱. نباید فکر را کد شود. بلکه باید با تحصیل و تجربه و مشورت فکر را رشد دهیم.

۲. نباید سرمایه را کد باشد و به صورت گنج و کنز درآید.

۳. نباید علم را کد باشد، بلکه باید به دیگران منتقل شود.

۴. حتی بعد از رسیدن به کمالات نباید قانع باشیم، نه در تحصیل خود را فارغ بدانیم که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

نباید به قیام به عدالت قانع باشیم، بلکه باید «قوامین بالقسط» باشیم.

نباید به مقاومت و صبر قانع باشیم، بلکه باید صَبْرًا باشیم. نباید به کمک‌های خود به محرومین قانع باشیم، بلکه باید دیگران را نیز تشویق کنیم. «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (ماعون، ۳)

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (نساء، ۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان خود را عمیق‌تر کنید.

در دعا می‌خوانیم رابطه‌ی ما با ولی خدا حضرت مهدی علیه‌السلام باید روز به روز قوی‌تر شود. در دعای عهد می‌خوانیم: «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً» یعنی از مرحله تعهد به مرحله‌ی گره خوردن و پس از گره خوردن، بیعت کردن و وفاداری تا آنجا که بخواهیم در راستای پیوند جان خود را فدا کنیم.

قرآن می‌فرماید: «يَنْفِقُونَ»، «یجاهدون»، یعنی کمال باید استمرار داشته باشد.

باید به قله‌ها دست یابیم و از مرزهای علمی معمولی عبور کنیم و با شتاب پیش برویم. و این شتاب ادامه یابد و این پیشرفت فقط در یکی دو شاخه نباشد. بلکه باید این پیشرفت در صنعت، نیرو، معدن، سلامت و کشاورزی و همه چیز باشد.

« ۱۷. توجه به ظرفیت‌ها

ظرفیت‌های خود را کشف کنیم و بدانیم در انسان غریزه بی‌نهایت طلبی وجود دارد. و این غریزه گامی برای اتصال به خداست. چون بی‌نهایت طلب را وجود بی‌نهایت سیر می‌کند. انسان اگر به خدا وصل شد، به هدف رسیده و آرامش پیدا می‌کند. «أَلَا بِيذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) غیر از خدا، هیچ پست و مقامی انسان را راضاء نمی‌کند. ما از بی‌نهایت سرچشمه گرفته‌ایم و باید به آن برسیم. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) از آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره، ۳۱) و از سجده‌ی ملائکه بر انسان، و از آیاتی که می‌فرماید: تمام هستی برای انسان آفریده شده است، (نظیر آیات «خَلَقَ لَكُمْ» (بقره، ۲۹)، «سَخَّرَ لَكُمْ» (جاثیه، ۱۳) و «مَتَاعَ لَكُمْ» (نور، ۲۹)) پی به ظرفیت خود می‌بریم.

این ظرفیت به جز با دست رهبری معصوم هدایت نمی‌شود. آری گذاشتن دست انسان با این همه ظرفیت و استعداد در دست غیرمعصوم، ظلم به انسانیت است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: قیمت انسان بهشت است. به ارزان‌تر از آن خود را نفروشید. «إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا بغيرِهَا» (کافی، ج ۱، ص ۱۹)

الف) ظرفیت‌های انسانی

۱. وجود نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی
۲. جمعیت جوان زیر چهل سال
۳. وجود چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی
۴. رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم مهندسی
۵. وجود انبوه جوانانی با روحیه‌ی انقلابی و آماده‌ی تلاش جهادی
۶. بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق ملت ایران از متوسط جهانی

۷. وجود جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمند شاغل در آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره

ب) ظرفیت‌های مادی

۱. دارا بودن هفت درصد ذخایر معدنی جهان با وجود یک درصد جمعیت جهان
۲. منابع عظیم زیرزمینی
۳. موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب
۴. بازار بزرگ ملی
۵. بازار بزرگ منطقه ای با داشتن ۱۵ همسایه و ۶۰۰ میلیون جمعیت
۶. سواحل دریایی طولانی
۷. حاصل خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی
۸. اقتصاد بزرگ و متنوع

ج) ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

۱. مدیریت جهادی؛ الهام گرفته از: ایمان اسلامی و اصل «ما

می‌توانیم»

۲. نرم افزار تبدیل ظرفیت ها به مؤلفه های قدرت
۳. وجود انسان های غالباً جوان با رتبه های رفیع انسانیت، با ویژگی هایی از قبیل: شجاع، فداکار، والا
۴. وجود جوانان زنده کننده ی ماجراهای صدر اسلام، با ویژگی هایی از قبیل: دل های مستعد، دل های نورانی، ذکر و دعا، روحیه ی برادری، روحیه ی ایثار، مجاهدت در میدان های سخت

« ۱۸. نگاهی به تفاوت ها

- تفاوت کاملاً معنادار چالشهای پیشروی انقلاب در سال ۱۳۵۷ با سال ۱۳۹۷
۱. چالش ایران با آمریکا
 - سال ۱۳۵۷: کوتاه کردن دست عمال بیگانه، تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی، رسوا کردن لانه ی جاسوسی آمریکا
 - سال ۱۳۹۷: حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی، برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از غرب آسیا، حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمینهای اشغالی، دفاع از پرچم حزب الله و مقاومت در سراسر منطقه
 ۲. چالش غرب با ایران
 - سال ۱۳۵۷: جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی توسط ایران
 - سال ۱۳۹۷: جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته ی ایرانی به نیروهای مقاومت
 ۳. تصوّر آمریکا از ایران

▪ سال ۱۳۵۷: تفوق بر نظام اسلامی و ملت ایران با چند ایرانی خودفروخته یا چند هواپیما و بالگرد

▪ سال ۱۳۹۷: نیاز به ایجاد یک ائتلاف بزرگ از دهها دولت معاند یا مرعوب برای مقابلهی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی

این تفاوت‌ها انسان را به یاد تفاوت‌های حق و باطل در قرآن می‌اندازد.

روزی مسلمانان در مکه امنیت نداشتند و امروز تقریباً در همه دنیا اسلام مطرح است.

روزی امام حسین علیه‌السلام یک زائر بیش‌تر نداشت، جابر بن عبدالله انصاری و امروز میلیون‌ها زائر دارد.

روزی از شیندن قرآن منع می‌کردند، «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ» (فصلت، ۲۶) ولی قرآن بارها وعده داده است که اسلام بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا خواهد کرد، گرچه کفار و مشرکین آن را خوش نداشته باشند.

این نوع وعده‌ها در قرآن مکرر آمده است تا مردم باورکنند که می‌شود یوسفی از ته چاه به حکومتی برسد، کودکی یتیم، پیامبر شود و همه طاغوت‌های ستمگر را تهدید کند. کشوری بدون وابستگی به شرق و غرب با شعار نه شرقی و نه غربی پیروز شود و از گردنه‌های سخت عبور کند. در قرآن می‌خوانیم: «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور، ۵۵) یعنی وعده‌ی پیروزی حق بر باطل سابقه دارد و با اراده خدا، کودکی مثل موسی را در آب حفظ می‌کند و فرعون را در همان آب غرق می‌کند.

« ۱۹. توجه به شباهت‌ها و نمونه‌های تاریخی

در مواردی برای بعضی، مسایل مهم یا سخت یا محال جلوه می‌کند. قرآن این موارد را با بیان نمونه‌های تاریخی حل می‌کند، تا دل‌ها آرام گیرد و محال‌ها را ممکن سازد. اگر بدانیم مسایلی که برای ما پیش می‌آید، در طول تاریخ مشابهات فراوان داشته و دارد، آن مسایل برای ما آسان می‌شود. مثلاً:

دستور روزه گرفتن در امت‌های پیشین نیز بوده است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره، ۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردید، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود. اگر بدانیم رنج‌های جبهه برای دشمنان نیز هست، سختی‌ها آسان می‌شود. «فَإِنَّهُمْ يَأْتُمُونَ كَمَا تَأْتُمُونَ» و در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» (آل عمران، ۱۴۰) اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است.

«وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (حجر، ۱۱) و هیچ پیامبری برایشان نمی‌آمد، مگر آنکه به استهزای او می‌پرداختند.

در مشکلات می‌توان از افراد صابر الگو گرفت. خداوند به پیغمبرش می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵) پس (ای پیامبر!) صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

نیش زبان‌هایی که به شما گفته می‌شود، به مؤمنان پیش از شما نیز گفته می‌شد. «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ

قَبْلِكَ» (فصلت، ۴۳) (ای پیامبر!) به تو گفته نمی‌شود جز آن چه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده است.

«قَالِیَوْمَ الَّذِینَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ یُضْحَكُونَ» (مطففین، ۳۴) پس امروز، اهل ایمان بر این کفار می‌خندند.

برخورد قاطع با شایعه پراکنانی که در مردم ایجاد اضطراب و دلهره می‌کنند، در ادیان دیگر نیز بوده است. «سُنَّهَ اللّٰهِ فِی الَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» (احزاب، ۳۸)

ای پیغمبر! اگر گروهی از دین سرپیچی کردند، ناراحت نباش، که افراد مشابهی به جای آنان ایمان می‌آورند. «فَسَوْفَ یَأْتِی اللّٰهُ بِقَوْمٍ یُّحِبُّهُمْ وَیُحِبُّوْنَ» (مائده، ۵۴)

اگر گروهی بخیل اند در مقابل افرادی سخاوتمند وجود دارند. «وَإِنْ تَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَكُمْ ثُمَّ لَا یَكُونُوا أَمْثَالِكُمْ» (محمد، ۳۸)

تشکر از این همه نعمت، به آن است که ما در راه تکامل این نعمت‌ها از مرحله خودسازی به مرحله جامعه‌پردازی، و از آن به مرحله‌ی تمدن‌سازی، برای انقلابی جهانی به رهبری حضرت مهدی (علیه‌السلام) آماده باشیم و به جای افکار غلطی که می‌گویند باید حضرت مهدی بیاید تا جامعه را بسازد، می‌گوییم ما جامعه را بسازیم تا حضرت تشریف بیاورد. همانگونه که ما در شب تاریک چراغی روشن می‌کنیم و منتظر هستیم خورشید صبح طلوع کند و در سرما محل خود را گرم می‌کنیم و منتظر هستیم بهار فرارسد.

به گفته‌ی روایات، انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام یک عمل است، یعنی تمدن‌سازی برای ظهور آن حضرت!

به گفته‌ی روایات، تمام علوم بشری، تا ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ۲ بخش از ۲۷ قسمت است. و با ظهور و حضور

ایشان، ۲۵ بخش از ۲۷ قسمت آن کشف خواهد شد.

« ۲۰. توجه به بایدهای پیش رو!

باید بدانیم دشمنان ما برای ما مشکلات جان فرسا ایجاد کرده و خواهند کرد که باید از آن عبور کرد.

همانگونه که برای انبیاء از طرف دشمنان این مشکلات پیش می‌آمد. قرآن می‌فرماید: «وَكَاتِبُنَّ مِنَ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد.

آری تاریخ انبیا همواره همراه با مبارزه بوده است. باید از آنان درس بگیریم و نباید مشکلات، عامل سستی وضعف شود، بلکه باید عامل حرکت و تلاش جدیدی گردد. مشکلات و ناملایمات، مردان خدا را وادار به تسلیم نمی‌کند.

آری رزمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند؛ «فَمَا وَهَنُوا» و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند؛ «وَمَا ضَعُفُوا» و نه در اثر ناملایمات تسلیم می‌شوند. «وَمَا اسْتَكَانُوا»

باید خود را آماده عبور از گردنه‌ها کنیم. در حدیث می‌خوانیم کسانی که ما اهل بیت را دوست دارند، خود را برای زندگی ساده و زاهدانه آماده کنند. «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا» مرفهان بی‌درد نمی‌توانند بازویی برای انقلاب حضرت مهدی باشند و برای آن تمدن بزرگ نقش‌آفرین باشند.

باید نگاه‌ها، روحیه‌ها، عمل‌ها، همت‌ها، هوشیاری‌ها، ابتکارها، عبرت‌گیری‌ها، صداقت‌ها و صراحت‌ها و اقتدارها،

انقلابی، جهادی، جهانی، در راستای نجات خود، استقلال خود و نجات مظلومین جهان باشد. با این صفات می‌توان طرح تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کرد. ممکن است در اولین نگاه، به وجود آوردن چنین جامعه‌ای سخت باشد، ولی قرآن می‌فرماید: با ایمان همه کار می‌توان کرد و می‌فرماید: «وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید.

در جنگ احد، به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی، بر قوای اسلام شکست وارد شد، مسلمانان روحیه خود را از دست دادند، این آیه نازل شد که مبادا با شکست خود را ببازید، بلکه با تقویت ایمان خود را تقویت کنید که در این صورت برتری با شماست.

آری در سایه‌ی ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد.
 «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

گرچه در جهان بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

آیه بعد می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران، ۱۴۰)
 اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم تقسیم می‌کنیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از شما گواهانی (بر دیگران) بگیرد و خداوند ستمگران را

دوست نمی‌دارد. (گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند) این آیه ضمن دلداری به مسلمانان، واقعیتی را بیان می‌کند، که اگر شما به منظور حق و برای هدفی الهی متحمل ضرر جانی شده‌اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده‌اند. اگر شما امروز در احد پیروز نشده‌اید، دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست خورده‌اند، پس در سختی‌ها بردبار باشید.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: «از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده‌اند، اما دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می‌یابد» (تفسیر عیاشی)

آیه بعد می‌فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۱) و (فراز و نشیب‌های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص، و کافران را (به تدریج) محو و نابود گرداند.

گویا خدا می‌خواست نقاط ضعف مسلمانان را با شکست در جنگ احد به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیافتند و برای حرکت‌های بعدی آمادگی لازم را داشته باشند.

آری گاهی شکست‌های سازنده و بیدارگر، از پیروزی‌های غافلانه و بدون عمق مطلوب‌تر است.

« ۲۱. عدالت نسبی (نه عدالت مورد انتظار)

ممکن است هر کمالی در جایی مطلوب و در مورد دیگری نقص باشد. مثلاً بخشش ممکن است در موردی خوب و در مورد دیگری خوب نباشد. ولی عدالت کمالی است که نسبت به هر چیز و در همه جا کمال است، حتی نسبت به

دشمن! به ما اجازه نمی‌دهند که از مرز عدالت خارج شویم. قرآن می‌فرماید: بعثت انبیاء برای آن است که مردم بر اساس عدالت به پا خیزند. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۱۵) عدالت در همه‌ی زمان‌ها و زمین‌ها فریضه‌ای است که بر عهده همه‌ی مردم و به خصوص حاکمان است. ناگفته پیداست، برای تحقق عدالت باید با هر نوع فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، و زمینه‌های رشد بی‌عدالتی و تبعیض‌ها در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی مبارزه کرد.

البته این عدالت نیاز به تشکیلاتی دارد، که نیاز به افرادی کارآمد، تیزبین، قاطع، باایمان، جهادگر، دست‌ودل‌پاک، منیع‌الطبع، مصون از وسوسه‌های گوناگون دارد. وگرنه بی‌عدالتی‌های درونی، به بی‌عدالتی‌های بیرونی تبدیل شده و اصل مقبولیت و مشروعیت نظام را متزلزل می‌کند. ناگفته پیداست که اجرای عدالت نیاز به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و جامع دارد.

هم باید از تشکیل نطفه‌ی فساد در هر دستگاه پیشگیری شود و هم باید اگر نطفه منعقد شد، راه فساد و تبعیض برای ویژه‌خواران و فریبکاران اقتصادی باز شد، عاقلانه و مسئولانه و جهادی، با تدبیر مبارزه کرد و از تبلیغات و ارباب‌ها و جنگ روانی نهراسید. آری قوی‌ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می‌گیرد، توکل و اتصال خود را با خدا بیشتر می‌کند.

قرآن در ستایش گروهی می‌فرماید: همین‌که به آنان گفته می‌شد، بی شک مردم (کافر مگه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر

ایمانشان بیافزود. «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» (آل عمران، ۱۷۳) چه بسا، به خاطر اجتناب از زیان مادی دشمن، به خاطر ارباب و عقب نشینی، گرفتار ذلتی می شویم، که زیان معنوی مهم تری است. آنچه مهم است، حفظ عزت کشور و ملت به صورتی حکیمانه، مصلحت جویانه از موضع انقلابی است. آری عقب نشینی یعنی زانوزدن در برابر دشمن و بوسه بر پنجه‌ی گرگ است.

مؤمن اگر گرفتار حرص و لقمه‌ی حرام شد، و با این صفت مسئولیتی را گرفت، هرگز مسئولیت او مشروع نخواهد بود. بلای مهم، ضعف مدیریتی بعضی مسئولین و غفلت آنان از ظرفیت‌های کم نظیر طبیعی و انسانی و بی توجهی به شعارهای انقلاب است.

در قرآن می خوانیم «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَخَضُّونَهُمْ يَأْذِنُهُ حَتَّىٰ إِذَا فِشَلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۵۲) و قطعاً خداوند وعده‌ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می‌کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند

نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است. در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند. در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر صلی الله علیه و آله پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از درّه‌ها و کوه‌ها نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آنها را شکست دادند، اما متأسفانه در بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد، عده‌ای گفتند: پیروزی ما قطعی است، پس به سراغ جمع غنائم برویم و عده‌ی کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. دشمن شکست خورده، از همان منطقه‌ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه‌ی سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله انتقاد می‌کردند که مگر خدا به ما وعده‌ی پیروزی نداده بود، پس چرا شکست خوردیم؟ این آیه پاسخ می‌دهد که وعده‌ی خدا راست و درست بود، ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست شما شد. آری معنای تحقق وعده‌های خدا، نادیده گرفتن سنت‌های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که شما به وظیفه عمل کنید. «لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ... إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ» و افراد برای هدف‌های متفاوت جنگ می‌کنند. بعضی برای دنیا می‌جنگند و بعضی برای آخرت. «مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ»

البته عامل شکست‌های بیرونی، درونی است. شما در درون سست و نافرمان شدید، لذا در بیرون شکست خوردید.

«فَشِلْتُمْ... صَرَفَكُم عَنْهُمْ»

ما اگر به الگوی مقاومت و بیداری اسلامی و شکست سیاسی آمریکا در منطقه و زمین گیر شدن همکاران خائن آمریکا و گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی خود پی ببریم، و از تجربیات گذشته درس بگیریم، و به وسوسه های مالی و مقامی و تهدیدها بی اهمیت باشیم، و به جهاد علمی جوانان توجه داشته باشیم، و بدانیم دشمن در حال احتضار است، هرگز خود را نخواهیم باخت.

« ۲۲. توجه به اقدامات دشمن

دشمن گاهی تظاهر می کند که من صدای جدی و جدید انقلاب را شنیده ام. قرآن به این افراد می فرماید: «أَفَلَا تَشْمَعُونَ» او می خواهد صداها را با تحریف و دروغ خفه کند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» و پیشنهادهای فریبکارانه را ارائه می دهد. نظیر آنکه بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: ای محمد تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما سال بعد از تو پیروی می کنیم. آنگاه هر کدام بهتر بود آن را ادامه می دهیم، اما پیامبر نپذیرفت و فرمود: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي» (کافرون، ۶) او با تهاجم روزافزون کانون های ضد معنویت و ضد اخلاق و بهره گیری از ابزارهای رسانه ای، دل جوانان و نوجوانان و نونهالان ما را منحرف می کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان، ۶) و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم کننده اند، تا بی هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند.

شخصی به نام نصر بن حارث که از حجاز به ایران سفر می کرد، افسانه های ایرانی - مانند افسانه ی رستم و اسفندیار و

سرگذشت پادشاهان- را آموخته و برای مردم عرب بازگو می کرد و می گفت: اگر محمد برای شما داستان عاد و ثمود می گوید، من نیز قصه ها و اخبار عجم را بازگو می کنم. این آیه نازل شد و کار او را شیوه ای انحرافی دانست.

این آیه به یکی از مهم ترین عوامل گمراه کننده که سخن باطل است، اشاره نموده است. در آیات دیگر قرآن، به برخی دیگر از عوامل گمراهی مردم اشاره شده که عبارتند از:

الف: طاغوت، که گاهی با تحقیر «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ» (زخرف، ۵۴) و گاهی با تهدید مردم را منحرف می کند. «لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء، ۲۹)

ب: شیطان، که با وسوسه هایش انسان را گمراه می کند. «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ» (نساء، ۶۰) و به مخالفین اسلام دستور حمله می دهد و می گوید امروز شما پیروز هستید. «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ» (انفال، ۴۸)

ج: عالم و هنرمند منحرف که با استفاده از دانش و هنرش دیگران را منحرف می سازد. «وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه، ۸۵)
 د: صاحبان قدرت و ثروت، که با استفاده از قدرت و ثروت، مردم را از حق بازمی دارند. «إِنَّا أَطْعَمْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَصْلَوْنَا السَّبِيلًا» (احزاب، ۶۷)

ه: گویندگان و خوانندگانی که مردم را سرگرم کرده و آنان را از حق و حقیقت باز می دارند. «يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان، ۶)

گاهی با تحلیل مغرضانه، مثلاً می گفتند افرادی که دور پیغمبر جمع شده اند، به خاطر اهداف مادی است، اگر ما به آن ها کمک نکنیم، آنان پراکنده می شوند. «لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا» (منافقون، ۷)

گاهی با مایوس سازی مردم، مسئولین و مدیران از آینده، از طریق وارونه نشان دادن واقعیت‌ها «قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» (توبه، ۴۸)

گاهی با پنهان کردن جلوه‌های امید از طریق نقاط ضعف و شکست خودی‌ها و بزرگ‌نمایی دشمنان که قرآن می‌فرماید: قدرت‌های غیرالهی مثل تار عنکبوت هستند و نصرت خداوند نزدیک است. «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (فتح، ۱۳)

گاهی با بزرگ‌کردن عیوب کوچک، کوچک نشان دادن خوبی‌ها، قصد تضعیف و نابودی نابودی نظام را دارند.

ولی باید بدانیم که همه این برنامه‌ها برای خاموش کردن نور اسلام است، آن هم با فوت کردن! در حالی که خداوند می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲) می‌خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند، ولی خداوند جزاین نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند، هرچند کفار، ناراحت باشند.

آری تلاش‌های کافران در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است. (نمرودها، فرعون‌ها، بنی‌امیه و بنی‌عباس و امثال آنان، نمونه‌های عملی تلاش کفارند) «يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»

دشمنان باید بدانند که با اراده‌ی حتمی خداوند برای پیروزی دین حق، طرف‌اند و هرگونه تلاش بر علیه مکتب اسلام محکوم به شکست است. «يُتِمَّ نُورَهُ»

اما دشمن نمی‌داند که این اقدامات، با قدرت ایمان ملت و انگیزه امت و رهبری الهی و جهاد علمی و اصلاح مشکلات درونی و مرزبندی قاطع و منطقی یکی پس از دیگری خنثی خواهد شد.

« ۲۳. توجه به اقتصاد

اقتصاد، هدف نیست، اما وسیله است. اقتصاد اگر ضعیف باشد، زمینه نفوذ دشمن، دخالت دشمن، و سلطه‌ی دشمن است. و اگر قوی باشد، وسیله‌ی قدرت کشور و عزت کشور خواهد بود.

اسلام طرفدار تولید است و می‌فرماید: زمین و آسمان و باد و باران و میوه و نهرها و نور را مسخر شما کردم و این شما هستید که باید با تلاش از این منابع استفاده و تولید کنید. «وَ اسْتَغْمَرَكُم فِيهَا» (هود، ۶۱)

در حدیث می‌خوانیم کسی که آب و خاک دارد، ولی فقیر باشد، خدا او را از لطف خودش دور می‌کند. «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (قرب الاسناد، ص ۵۵) آن هم تولید باکیفیت!

امت اسلامی باید در همه چیز از جمله تولیدات، سبب عزت اسلام شوند. یعنی همین که مردم بدانند سازنده آن مسلمان است، به خاطر تولید باکیفیت علاقمند به اسلام شوند. «كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا» (أمالی صدوق، ص ۴۰۰)

اسلام طرفدار توزیع عادلانه، به اندازه، بی‌اسراف، همراه با مدیریتی خردمندانه است.

اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار آن باشد و از ظرفیت داخلی استفاده نکنیم.

قرآن از قول حضرت یعقوب می‌فرماید: او به پسران خود سفارش کرد، «لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابِ وَاحِدٍ» (یوسف، ۶۷) آری برای پیدا کردن یوسف نباید از یک طریق اقدام کرد. این خود یک اصل است که خداوند حکیم، در مخلوقات نیز این حکمت

را به کار برده است. مثلاً اعضای بدن جفت است که با حذف یکی، انسان در زندگی فلج نشود. باید انسان در حل مسایل اقتصادی گزینه‌های متعددی داشته باشد تا با تمام شدن نفت، یا نخریدن آن، کشور فلج نشود.

اقتصادی برپاست که از درون باشد، مولد باشد، دانش‌بنیان باشد، مردمی باشد، نه دولتی!

دشمن می‌خواهد از بیرون با تحریم، وسوسه، و تبلیغات، مسلمانان را به چالش بکشد. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ تَمْسَسُكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران، ۱۲۰) اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچ‌گونه آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.

بنابراین شما باید اهل صبر و تقوا باشید، تا حيله‌های آنان ضربه‌ای به شما نزنند.

گاهی چالش از درون است، مثلاً به خاطر حرص‌ها، بخل‌ها و کسالت‌ها، تن‌پروری‌ها و ضعف‌های مدیریتی و عیب دانستن کار، اقتصاد ما دچار آسیب می‌شود. که هر یک از این مسایل در آیات و روایات نمونه‌هایی دارد.

واژه‌های زیادی داریم که مربوط به اقتصاد است، و با نگاه به آن می‌توان سیمای اقتصاد در اسلام را به دست آورد. مال و ثروت، آب و خاک، باران و طبیعت، کار و تلاش، شرکت و تعاون، مصرف و اسراف، بیت‌المال، حق‌الناس، خمس و زکات، رزق حلال، قرض الحسنه، وقف، بازار، نظارت و بازرسی،

توزیع عادلانه، کشاورزی، صرفه جویی، محکم کاری و استاندارد، درختکاری، محاسبه و بازرگری، حقوق، خدمت و مدیریت، خودباوری و خودباختگی، محیط زیست، امنیت اقتصادی و ده‌ها موضوع دیگر که به نحوی در تولید و توزیع و مصرف نقش دارند. این از یک سو! از سوی دیگر، بسیاری از مسایل اعتقادی و اخلاقی به نوعی در تولید و توزیع و مصرف و شیوه مدیریت اثرگذار است.

حساب کسانی که با عقیده و ایمان و عشق ساختمان می‌سازند، از حساب کسانی که بر اساس مزایده و مناقصه و با هدف سود بیش‌تر چیزی می‌سازند تفاوت دارد. در دنیا مهم‌ترین ساختمان‌ها مساجد و کلیساها هستند که بر اساس عشق و عقیده ساخته شده‌اند.

حساب مادر و همسری که بر اساس محبت غذا می‌پزد، از حساب رستورانی که برای کسب درآمد غذا فراهم می‌کند، جداست.

هزار کارگر و کارمند زن، مادر نمی‌شود و ترکیب هزاران مواد غذایی شیر مادر نمی‌شود.

در همه مسایل، از جمله مسایل اقتصادی: باید به ایمان و اخلاق و علاقه و انگیزه توجه کرد.

« ۲۴. رعایت اولویت‌ها

در همه مسایل رعایت اولویت‌ها لازم است. چه بسیار تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام می‌گیرد و بودجه‌هایی هزینه می‌شود که به خاطر عدم توجه به اولویت‌ها آن تحقیقات هیچ ثمره‌ای ندارد. در قرآن می‌خوانیم در انفاق، اولویت با والدین و بستگان است. «قُلْ مَا أَنفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ»

(بقره، ۲۱۵) در حدیث نیز می‌خوانیم: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَجِيمٍ مُخْتَأَجٌ» (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۸)

« ۲۵. اقتصاد هدفمند

اسلام در کنار تولید و مصرف، هدفمندی آن را گوشزد کرده است.

در کنار فرمان مصرف می‌فرماید: «کلوا... و لاتسرفوا» (اعراف، ۳۱) در خوردن زیاده‌روی نکنید.

یک جا می‌فرماید: «کلوا... و اشکروا» (بقره، ۱۷۲) به خاطر خوردن از خداوند تشکر کنید.

یک جا می‌فرماید: «کلوا... و اعملوا صالحاً» (مؤمنون، ۵۱) با قدرتی که از غذا خوردن بدست می‌آورید کار نیک انجام دهید.

یک جا می‌گوید: «کلوا... و لاتطغوا فیه» (طه، ۸۱) از قدرتی که به وسیله غذا بدست آورده‌اید طغیان نکنید.

یک جا می‌فرماید: «کلوا... و آتوا حقه» (انعام، ۱۴۱) بخورید و حق آن را اداء کنید.

و یک جا می‌فرماید: «فکلوا... اطعموا» (حج، ۲۸) بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید.

از این آیات استفاده می‌شود که نه تنها تولید باید هدفمند باشد، مصرف نیز باید جهت‌دار باشد. آن هم هدف و جهتی در راستای رشد فرد و جامعه! وگرنه تولیدی که در راستای رشد نباشد، مورد لعنت است.

در حدیث می‌خوانیم: پیغمبر در مورد شراب، ده گروه را نفرین کرد: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ غَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكِلَ ثَمَنِهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸)

« ۲۶. تعدیل ثروت

خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت است. اسلام از یک سودست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته است. اما به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی‌دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است و در مقابل، با واجب نمودن خمس و زکات و کفارات و سفارش اکید به انواع کمک‌ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

صدها آیه در قرآن درباره انفاق، ایتاء، اعطاء، جهاد مالی، زکاة، خمس، صدقه، کفاره، قرض الحسنه و امثال آن برای محرومیت‌زدایی و تعدیل ثروت آمده است و از هر راهی این مسأله را دنبال می‌کند. در کنار نماز، زکات را می‌آورد. در کنار روزه‌خواری، اطعام شصت فقیر را به عنوان کفاره قرار می‌دهد. اولین سهم زکات را برای فقرا و مساکین قرار می‌دهد. بخشی از خمس را برای محرومان قرار داده است. در جهاد و غنایم جنگی سهمی به فقرا داده شده است. در عید فطر، به زکات فطره و نان فقرا توجه دارد. در عید قربان، به ذبح حیوان و گوشت فقرا توجه دارد.

« ۲۷. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی

رشد اقتصاد باید درونی باشد، نه وابسته به بیگانگان! که در این صورت مسلمانان باید ذلت خود را نسبت به بیگانه مشاهده کنند. در حالی که قرآن می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)

اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر اسلام، هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می‌کرد، جایزه برندگان جوایزی مولد بود. یعنی یا شتر حامله، یا درخت خرما! که شتر حامله تولید کننده، گوشت، کرک، شیر، حمل و نقل، و درخت خرما نیز تولیدکننده چوب، خرما، سایه است. امروز جوایز دنیا معمولاً مصرفی و تجملاتی است.

علمی و دانش بنیان باشد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمَثَجِرِ» (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِزْتَمَمَ فِي الرِّبَا» (کافی، ج ۵، ص ۱۵۴) کسی که بدون علم دست به تجارت بزند، در دام ربا می‌افتد.

مردمی باشد، نه دولتی! قرآن می‌فرماید: «أَمَّا السَّافِيَةٌ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ» (کهف، ۷۹) آن کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند.

از این آیه استفاده می‌شود که حتی افراد مسکین می‌توانند، با نوعی قرارداد شرکتی، تعاونی تأسیس کنند و از طریق آن درآمدی کسب کنند.

« ۲۸. توجه به معنویات

خالق هستی در کتاب آسمانی نگاه بشر را فراتر از مادیات قرار داده است. و برای هر کاری از دو زاویه مادی و معنوی مسایلی را مطرح کرده است. کوتاه سخن آنکه در فرهنگ اسلام برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد. برای مثال: امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال می‌رود، اما اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که مربوط به حفظ محیط زیست معنوی است، یک نگاه بالاتری دارد:

۱- امر به معروف و نهی از منکر، راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر است.

۲- حفظ عفاف و حجاب، برای جلوگیری از تبرج و خودنمایی زنان و مردان و مشغول ساختن ذهن و دل شهروندان به خودنمایی، فحشاء و منکرات است.

۳- خلوت با نامحرم، منع از نجوا و درگوشی صحبت کردن، تحریم غیبت، و تجسس و تهمت و سوءظن و امثال آن، راهی برای نگهداری محیط زیست معنوی و کیفی‌سازی آن برای زندگی جمعی است.

۴- نهی از مطالعه کتاب‌های انحراف‌آمیز و سوق‌دهنده به کفر و دین‌گریزی، نهی از معاشرت با افراد نااهل و فتنه‌جو، حفظ ظواهر دینی در رفتار و گفتار و بالاخره مراعات ادب اجتماعی در روابط میان‌فردی، نمونه‌هایی از بستر سازی برای تأمین محیط زیست سالم است. ایمان، توکل، ایثار، اخلاص، خیرخواهی و دلسوزی، گذشت، کمک، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس در جامعه می‌تواند از مصادیق محیط زیست

معنوی باشد و بسیاری از مشکلات اخلاقی و مفاصد اجتماعی را توسط این گونه صفات برطرف کرد.

هم چنین در نگاه مادی و معنوی:

(الف) خوراک مادی: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (مومنون، ۵۱)
 خوراک معنوی: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴)
 که امام علیه السلام می فرماید: «الی علمه» (رجال کشی، ج ۴، ص ۳) یعنی، ببیند چه می آموزد.

(ب) لباس مادی: «سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ» (نمل، ۸۱)

لباس معنوی: «وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكِ حَيْرٌ» (اعراف، ۲۶)

(ج) زینت مادی: «حُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف، ۳۱)
 زینت معنوی: «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات، ۷)

(د) سفر مادی: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ» (بقره، ۲۸۳)

سفر معنوی: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا» (انشقاق، ۶)

(ه) رزق مادی: «مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ» (بقره، ۲۲)

رزق معنوی: «و ارزقنی حج بیتک الحرام» (دعای ماه رمضان)

(و) شیرینی مادی: «حلاوة الدنيا» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۱)

شیرینی معنوی: «حلاوة الايمان» (بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۱)

(ز) پاداش مادی: «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره، ۲۵)

پاداش معنوی: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه، ۷۲)

(ح) پدر مادی: «وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ» (بلد، ۳)

پدر معنوی: «أنا و علی ابوا هذه الامة» (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۱)

(ط) هجرت مادی: «وَوَهاجِرُوا» (انفال، ۷۲)

هجرت معنوی: «وَوَالرَّجَزَ فَأَهْجُرْ» (مدثر، ۵)

« ۲۹. توجه به هویت

امروز طراحان فاسد و مفسد می‌نشینند و برای سبک‌زندگی غربی در سایر کشورها برنامه‌ریزی می‌کنند، به گونه‌ای که دیر یا زود در همه کشورها نسل نو سربازان آن‌ها باشند. در اخلاق، اقتصاد، رفتار و گفتار، لباس و آرایش، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، نوشتنی‌ها، همه و همه سبکی شود که نسل نو بی‌هویت و مثل موم در اختیار شرق و غرب باشد و جوان ما طوری تربیت شود که حتی در آرایش سر و صورت خود، از خود اختیاری نداشته باشد. بلکه هر سازی زدند او برقصد. این بی‌هویتی را در فضای حقیقی و مجازی فراوان می‌بینیم.

اگر انسان برای خود ارزشی قائل بشود، هرگز تسلیم هر حرف و شعار و موجی نمی‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان ثمنک الجنة» خود را به کمتر از بهشت نفروشید.

تمام آیات «فَمَا رِيحَت» (بقره، ۱۶)، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر، ۲)، «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا» (بقره، ۹۰)، «خسران مبین» و امثال آن نشان‌دهنده آن است که وجود انسان ارزشمند است. «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (زمر، ۱۵)

انسان اگر بنده غیر خدا باشد، خود را مفت فروخته است، غیر خدا نه مالک اند، نه رازق اند، نه قادرند و نه بینا، نه شنوا، نه حکیم، نه رحیم و...

اسلام، انسان را موجودی با اراده، بی‌نهایت طلب، خلیفه‌ی خدا با بهترین قوام «أَحْسَنُ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴)

دارای روح الهی «وَوَفَّحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹)

مسجود فرشتگان «اسْجُدُوا لِلْآدَمِ» (بقره، ۳۴)

وصل به خدا «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)

برای هدفی مقدس «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^(۱)
(ذاریات، ۵۶)

و تمام هستی را در راستای خدمت به بشر می‌داند. «سَخَّرَ لَكُمْ، مَتَاعًا لَّكُمْ»

انسان موجودی است ابدی و می‌تواند با ایمان و عمل به تمام مراحل کمال برسد. حتی اگر توفیق نداشت، با نیت می‌تواند ارزش‌ها و پاداش‌های آن کمال را برای خود ذخیره کند.

همه این‌ها نشان‌دهنده ارزش انسان و هویت اوست. افرادی بی‌هویت سعی دارند، دیگران را نیز بی‌هویت کنند. قرآن برای هویت بخشی به انسان‌ها آیات فراوان دارد. از جمله:

- ۱- معبود تو، خدای علیم حکیم قادر رؤف است
- ۲- راهنمای تو پیامبر و امامان معصوم هستند.
- ۳- قانون تو قرآن، وحی آسمانی است.
- ۴- هیچ عملی از تو ضایع نمی‌شود. «لَا أُضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ نَسِيٍّ» (آل عمران، ۱۹۵)
- ۵- زن و مرد در رسیدن به مقامات عالی یکسان هستند. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب، ۳۵)

اگر انسان قرآنی را با انسانی که مکتب‌های غیرالهی ترسیم کرده‌اند، در دو تابلو روبروی هم قرار بدهیم، به هویت انسان در اسلام و بی‌هویتی در مکتب‌های دیگر پی‌می‌بریم.

« ۳. نگاه جمعی

اسلام به خاطر آن که مکتب خود را بر پایه عقل و فطرت گذاشته است، چشم اندازش کل بشریت است. یعنی دفاع را برای همه‌ی مظلومان، عزت و پیشرفت و خدمت و ثروت را برای همه می‌خواهد. کمالات را برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها و عرصه‌ها و کشورها می‌داند. در آموزه‌های دینی مشاهده می‌کنیم که انسان حتی اگر به تنهایی نماز می‌خواند، حق ندارد فقط خودش را ببیند، بلکه باید بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (فاتحه، ۵) یعنی همه‌ی ما بنده‌ی تو هستیم.

هدایت را برای همه می‌خواهد، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۶)

به همه سلام می‌کند: «السلام علينا»

اگر دعا می‌کند، برای همه‌ی فقرا، اسرا، مرضا، در راه ماندگان، غریبان و... دعا می‌کند. «اللَّهُمَّ اَعْنِ كُلَّ فَاقِرٍ اللَّهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَزِيَانٍ اللَّهُمَّ اَقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنَّا كُلَّ مَكْرُوبٍ» این روحیه برخاسته از همت بلند و اتصال به بی‌نهایت است. کسانی که خودبین و خودخواه هستند، نمی‌توانند این‌گونه با سعه‌ی صدر برخورد کنند.

سفارشات اسلام برای همه است. اگر سخن از تلاش، تحصیل، لقمه‌ی حلال، کمک به مظلومان می‌شود برای همه است و استثناء ندارد.

گاهی در بعضی افراد، جمعیت‌ها، مناطق، فکر یا حرکت خوبی پیدا می‌شود، ولی با گذشت مدتی اختلاف و انشعاب و دلسردی پیدا می‌شود. این اسلام است که می‌فرماید: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف، ۶۷) یعنی جز افراد باتقوا ارتباطات مردم به بدبینی و دشمنی تبدیل می‌شود. از الطاف خداوند به انسان آن است که ورود و خروجش به این دنیا، صادقانه بدون شک، بدون دلسردی، بدون فتنه و فساد و ختم به خیر شود. قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ» (اسراء، ۸۰) و در ستایش حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرماید که عیسی روز تولد و روز وفات و روز قیامتش همراه با سلامتی بود. «وَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۳۳)

حضرت یوسف از خداوند حسن عاقبت درخواست کرد و گفت: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۰۱) حضرت علی همین که خبر شهادتش را از پیامبر شنید، به جای آنکه بپرسد کجا و به دست چه کسی، و به چه دلیل من شهید می‌شوم، فقط سؤالش این بود که فرمود: «افی سلامة من دینی؟» یعنی آیا لحظه‌ی شهادت دین من سالم خواهد بود؟ دینداری مهم است، ولی دیندارماندن مهم‌تر است. قرآن از دینی سخن می‌گوید که استوار باشد نه عاریه‌ای! «وَذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ» (بینه، ۵)

کوتاه سخن آنکه انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است.

به لطف خداوند انقلاب ایران، ماندگار و پویا و بی‌شک

استوار خواهد ماند و اگر گاه و بی گاه ریزشی داشت، در کنارش رویش‌هایی نیز بوده است و این وعده‌ی خداوند است که می‌فرماید: «مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴) هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند.

حتی کسانی که از مسایل، یا افراد و روش‌ها و مدیریت‌ها و سیاست‌هایی انتقاد می‌کنند، اصل اسلام و انقلاب و نظام را قبول دارند و همین‌که احساس کنند که بیگانگان به فکر تجزیه هستند، بیش‌تر با هم متحد می‌شوند.

« ۳۲. پاکدستی و پارسایی

شرط پاکدستی برای همه واجب و برای مسئولین واجب‌تر است. برخورد امیرالمؤمنین حتی نسبت به تقاضای برادرش عقیل را شنیده‌اید که همین‌که او تقاضای سهم بیش‌تری کرد، حضرت آهنی داغ کرد و نزدیک دست برادر آورد و گفت: تو اگر از حرارت این آتش در هراسی، من از آتش قیامت ترسانم. و در جای دیگر فرمود: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ فَمَنْ صَادَقَ لَيْنٌ بَلَغَنِي أَنَّكَ حُنْتُ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئاً صَغِيراً أَوْ كَبِيراً لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ صَبِيلاً الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ» (نهج البلاغه، نامه ۲۰) به خدا سوگند، سوگندی راست! که اگر آگاه‌گردم که در مال مسلمانان، کم یا زیاد، خیانت و ورزیده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال و گران پشت از فاقه و خوار مایه‌گردی.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «دَخَلْتُ بِلَادَكُمْ بِأَسْمَالِي

هَذِهِ وَرَحْلَتِي وَرَاجَلَتِي هَاهِي فَإِن أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بِغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ.» (بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۵) ای مردم عراق! (پایتخت آن کوفه) من با این بار و بند و رحل و راحله و این چند اثاث از حجاز به دیار شما آمدم و اکنون پس از چند سال فرمانروایی بر شما اگر با غیر این رحل و راحله و این چند شمله از اینجا بیرون رفتم، من از خیانتکاران خواهم بود.

«والحمد لله رب العالمين»

برای این بیانیه صدها آیه و حدیث می‌توان آورد که ما مستندات بعضی از جملات را می‌آوریم و امید داریم دیگران آن را تکمیل و خداوند آن را قبول و امت به آن نامه با یک نگاه خاص و تکلیف‌آور بنگرند.

اگر انسان بداند سخنان، برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است، با اطمینان بیش‌تری آن را عملی می‌سازد. از خداوند، نیت پاک و استدلال روشن در سایه قرآن و روایات خواهیم.

روح این بیانیه خوش‌بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.

